

بسم الله الرحمن الرحيم

نویسنده محترم بیانیه مورخ ۸ بهمن ۱۳۸۵ سازمان موحدین آزادیخواه ایران

من يك مرد مسلمان ۴۵ ساله شیعه ساکن ایران هستم وقتی بیانیه شما را خواندم تصمیم گرفتم در یادداشتی نظرم را به شما بگویم و امیدوارم همانطور که من فرصت خواندن بیانیه شما را فراهم کردم شما نیز چند دقیقه وقت بگذارید و این چند خط را بخوانید. در بیانیه خود مطالبی گفتید که بعضی درست و قابل تعمق برخی به عقیده بنده دارای لغزش است. در جاهایی به نکاتی اشاره کردید که من را وادار به تجدید تفکر کرد و سوالات جدیدی را ایجاد کرد. سوالاتی مانند اینکه چرا اگر امامت ارثی است فقط یکی از دختران پیامبر این ارث را منتقل کرده، پس سایر دختران پیامبر سهمی ندارند؟ آیا همسران دیگر پیامبر نیز حقی ندارند؟ اصلاً چرا آنها که در واقعه غدیر نبودند وقتی خبر را شنیدند (که حتماً شنیدند چون یاران یکرنگ بودند ولی آدرس سکونت متفاوت داشتند) سراغ پیامبر (ص) نرفتند و کسب حقیقت نکردند که شیهه ای باقی بماند؟ و هزار سوال دیگر هم به ذهنم رسیده و خواهد رسید که حتماً به دنبال پاسخ خواهم رفت و از همه میخوام که به من جواب بدهند. ولی دوست دارم چند نکته را در مورد متن تو ذکر کنم، لطفاً مثل من بدون تعصب مذهبی و عقیدتی گوش کن.

من بعد از ۳۰ سال شنای بی قاعده در امواج جورواجور سیاسی کشور این درس را فراگرفته ام که حقیقت نزد هیچ گروه و مرامی نیست و هیچ گروه و مرامی نیز بدون حقیقت حرف نمیزند. حقیقت کامل پازلی است که هر تکه اش دست يك گروه و عقیده است و به راستی که " همه چیز را همگان دانند و همگان از مادر هنوز زاده نشده اند ". زمانی که ۱۶-۱۷ سال بیشتر نداشتم و مختصر تمایلی به کمونیسم پیدا کرده بودم آنهم به دلیل اعتقادات آزادیخواهانه و عدالت طلبانه تورسین های کمونیسم، در هنگامی که فضای سیاسی کشور باز بود در يك میتینگ از کنار چادر ها و دسته های حزب ها و گروه های مختلف رد میشدم يك سوال می کردم " آیا برای عقیده ای که از آن دفاع میکنید و به آن ایمان دارید الگویی حکومتی سراغ دارید؟ " جواب های مختلفی شنیدم، شوروی، چین، کوبا و حتی آلبانی، ولی دوست عزیز همانموقع متوجه شدم که هیچکدام بدون اشکال نیستند، حتی متوجه شدم دنیای آزاد ( آمریکا) نیز به شکلی همان سیستم کمونیستی اداره میشد. کشور های کمونیستی با وام گرفتن از اعتقادات و عقاید صحیح شعارها و اهدافی را تعیین و طرفدارانی برای خود دست و پا میکردند ولی بعد از به حکومت رسیدن و تشکیل دولت ظالمانی میشدند که در کره شمالی و چین و شوروی سابق دیدیم. بعد از سالها متوجه شدم که اصلاً حکومت عقیده دارای اشکال است. حاکمیتی که عقیده يك گروه خاص باشد مسلماً دیکتاتوری و فساد است. در همه عقاید نکات درست و حقایقی هست که متأسفانه افراد فرصت طلب و منفعت جو از آن بهره چینی میکنند و همین باعث رویگردانی و ظلم میشود. عقاید مختلف در دنیا از يك مشرب مشترک فکری سرچشمه میگیرند، شیعه و سنی که هیچ حتی وهابی و بهائی و فراتر از آن مسیحیت و یهودیت و اسلام و حتی فراتر از آن هر عقیده دینی و غیر دینی که منادی عدالت و آزادی باشد از يك مشرب فکری که محدود به چند اصل اولیه و مختصر است ریشه میگیرد.

کوروش کبیر منادی همین عقیده بود ولی داریوش سوم نبود و اسکندر نابودش کرد. شاپور ساسانی حاکم خوبی بود ولی یزدگرد سوم نبود و اعراب نابودش کردند، صفویان در ابتدا باعث خیلی تحولات شدند ولی يك روز از محمود افغان شکست خوردند. دوست عزیز میخوام بگویم کوروش اصولی را رعایت میکرد که مسیح هم رعایت میکرد و در اصول اولیه همه عقاید آزادیخواه وجود داشته، چه فرقی میکند که این منش ایرانی باشد یا يك مکزیک یا آفریقایی؟ فقط توجه کن که کوروش کبیر با عقاید و منش اکنون نیست و هیچ ایرانی امروز مانند او نیست. هر کس که مانند او رفتار کرد میتواند ادعای هویت او را بکند حتی اگر این فرد آمریکایی باشد مثلاً جرج بوش. اینکه من چقدر شبیه پدرم هستم و یا چقدر برادرم مانند من است همان ایرادی است که شما به درستی به حکومت وراثتی میگیرید. من و تو و همه ما گوشه های حقیقت را میدانیم نه به تنهایی حق هستیم نه نا حق میگوئیم. ما با احترام به هم حقیقت می شویم. این چیزی بوده که تا کنون نگذاشته اند تحقق پیدا کنند. چرا آمریکا اینقدر پیشرفت کرده ولی عربستان که مهد اسلام است نمیکند؟ من فکر میکنم به خاطر همین رنگارنگی عقاید در حکومت است. استرالیا و کانادا نیز کشورهایی هستند که تعصب رنگ و نژاد و مذهب ندارند و پیشرفت خود را مدیون همین چند عقیدگی است. دموکراسی و حکومت چند عقیدگی باعث شایسته سالاری و عدم تبعیض میشود. چرا اقلیت صائب یا حتی بهائی نباید در گفتار آزاد باشند.

اما چند نکته که به نظرم در متن تو دارای اشکال است:

- ✓ شیعه از بیرون از ایران وارد شد و تولید صفویه نیست صفویه مرکز و دانشگاه برای آن تاسیس کرد و صاحب نظران را جمع کرد ولی شیعه از قبل وجود داشت. امروزه هم شیعه به جز ایران در خیلی از مناطق دیگر وجود دارد که به نوعی با جمهوری اسلامی مخالف هستند. نمیدانم چقدر این حرف صحیح است ولی میگویند که شیعه از لبنان به ایران مهاجرت کرده ..
- ✓ امام حسین پسر علی خلیفه ارشد چهارم است و یزید پسر معاویه است که هیچ چیز جز پول و سیاست نداشت و به دنبال حکومت بود. آنکه حکومت و خلافت را ارثی کرد معاویه بود.
- ✓ دین ایرانیان قبل از اسلام از ادیان صاحب کتاب است و بهتر است بیشتر در مورد زرتشت تحقیق کنید.
- ✓ این سرزمین هیچگاه آئینی جز وحدانیت نداشته. شاید خرافاتی به نظر بیایم ولی فکر میکنم این سرزمین نظر خاص خدائی بر آن است چون هیچ کفري در آن نشده، هیچ انسانی در آن برای خدا قربانی نشده، با وجود چند بار سوزاندن و خاکستر شدن دوباره جوانه زده، روزی مغول روزی اسکندر روزی اعراب روزی دیگر هم .... اما دوباره متولد شده. من فکر میکنم يك نوع نگاه ربانی به این کشور است.
- ✓ اعرابی که به ایران حمله کردند همه دارای اعتقادات یکسان نبودند. خیلی از آنها فقط سرباز بودند و خیلی ها اسلام بنا به بیعت شیخ و بزرگ قبیله پذیرفته بودند. آیا برای انتشار دین اسلام که دین عدالت و عشق است راهی به جز شمشیر نبود.
- ✓ نه کشتن کار انسانی است و نه مرگ کسی را خواستن. ساختن مقبره برای يك قاتل آنهم در جایی که واقعا دفن نشده کار درستی نیست.

- ✓ به گذشته و تاریخ باید مراجعه کنید و وضعیت کشور را بعد از حمله اعراب ببینید و با بعد از صفویه مقایسه کنید و آنگاه قضاوت کنید که کدامیک خیرخواه کشور بودند . صرف نظر از تعصبات دینی و مذهبی باید از خود پرسید بین حمله مغول و اسکندر و اسلام چه تفاوتی است ؟
- ✓ واقعا اسلام بعد از حمله اعراب به ایران آمد ؟ از چه زمانی اسلام بعنوان دین رسمی رواج یافت ؟
- ✓ حکومت ظالم جمهوری اسلامی قصد سازش و همکاری با آمریکا ندارد بلکه خودش مدعی يك حکومت و قطب جدید در نظام بین المللی است . ایران برای این نظام سکوی پرش است و برایش فرقی نمیکند بعد از پرش چه بلانی بر سر آن بیاید . بیچاره من و تو که میمانیم و میسوزیم.
- ✓ اتفاق عاشورا تا آن تاریخ سابقه نداشت ولی خونخواهی آن جای تامل دارد ، بعنوان يك واقعه دلخراش تاریخی جای تحقیق و ریشه یابی دارد .
- ✓ شاید اگر ما در آن دوران دمکراسی داشتیم یزید جانشین معاویه نبود و یکی از یاران باتقوا محمد و یا شاید فرزند آنان را انتخاب میکردیم که نه حسین بود و نه حسن و نه معاویه و نه یزید .

در خاتمه مجدداً میگویم اگر به آزادی و اتحاد و عدالت اعتقاد داری و مثل خیلی از گروهها به دنبال ریاست و حکومت نیستی به راحتی با عقاید دیگران کنار می آئی وگر نه تو نیز امروز با این اعتقاداتی که بر مبنای حقایقی استوار است با شعارهای جذاب عده ای را به دور خود جمع میکنی و بعد از تصاحب حاکمیت ظالمی میشوی شاید بدتر از جمهوری اسلامی . اگر تو یا هر عقیده دیگر بخواهد صرف خودش را حق بداند و لایق حکومت پس چه فرقی با حکومت ظالمی منسوب به جمهوری اسلامی داری ؟ دوست عزیز بیا به مشرب اصلی همه عقاید برسیم و به عقاید هم احترام بگذاریم . ایران کشور هزار رنگ است با هزاران فکر بدیع و خلاق ، حق نیست که زیر دست عده ای خاص از شیعه تباه شود . ما هفتاد میلیون با هم خیلی راحت میتوانیم زندگی خلق کنیم ولی متأسفانه فریف اختلافات افکنی های عده ای حکومت پرست شده ایم .

رضا نصیری

اهواز